

۵ ژوئیه ۲۰۲۳ - ۱۴ تیر ۱۴۰۳

## اقتصاد مال خراب است

### «انتخابات» بیهوده در میان آوگیاس اسلامی

#### سرمایه در ایران

مصطفی اسدیپور



شاید کمتر کسی بخاطر میاورد که این عبارت تا همین چند سال پیش عمیق ترین تفکر در بیان رسالت فلسفی و اهداف اقتصاد سیاسی در تاریخ مکتوب جمهوری اسلامی بود که کسی میتوانست سراغ بگیرد. تا چند دهه آزرگ سر شجره نخبگان به ور رفتن با این عبارت در سپهر تمدن بشری گرم بود. وعده و شعار اقتصادی از پدیده های نوین در خصوصیات پسندیده یک کاندید رئیس جمهور بدرد بخور بحساب میاید. مردم رئیس جمهور میشدند تا دل سیر در کوه ها و دشت ها دودور دودور ماشین سواری کنند، «چاخان» سر هم کنند، شکایت نامه جمع کنند و عکس محبوبیت در قلب امت رنجدیده منتشر نمایند. در یکی دو بیزینس اخیر انتخاباتی است که نامزدهای پست ریاست جمهوری با زبان تورم، بازار ارز، ترازنامه صادرات و واردات، رشد و تولید حرف میزنند و از در رشد اقتصادی وارد میشوند. مروری بر مجادله های انتخاباتی جاری تنها گویای این است که چگونه دست اندرکاران این حکومت از دریایی استعداد و توانایی و خلاقیت در میدان اقتصادی برای حمله به کارگر و زحمتکش جامعه محروم مانده اند. واقعا حیف است کسی از بلند پروازی رجل سیاسی بی بهره مانده باشد، با نیش های تا بناگوش باز ندای نجات و سربلندی ملی ایران و ایرانیان را سر دهند. اینها دل به دریای «اقتصاد» زند، تا حواس رای دهندگان را از خروارها پرونده گشت حجاب و تفنگ ساچمه ای و افتضاح تازه «برادران» در بیابانهای دورافتاده، سرکوب و دزدی و ارتشاء به «مساله اساسی» یعنی اقتصاد معطوف نمایند!

حیف است کسی ندید باشد از میان برگزیدگان اگر عمامه به سر ندارند ولی بیش از هر کس دیگر سنگ اسلام این جمهوری را به سینه میزنند. اینها در لیست سکانداران دستگاه های امنیتی شاید نباشند، اما از طرفداران پر و پا قرص قانون اساسی و قانون کار سراسر ارتجاعی هستند؛ و با بکارگیری سرکوب و ... صفحه ۳

## پیشروی راست افراطی در اروپا زمینه ها و پیامد ها

آذر مدرسی



انتخابات های اخیر در اروپا و کارت قرمزی که میلیونها نفر به احزاب حاکم دادند رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. انتخابات های ایندوره در اروپا ادامه زمین لرزه سیاسی است که هشت سال پیش با برگزیت و انتخاب ترامپ، اولین پیروزی های راست ساختار شکن، آغاز شده بود. مدتها است تغییرات مهم و تعیین کننده ای در بنیادها و سیمای سیاسی- اجتماعی در غرب در جریان است. نتیجه گیری های ژورنالیستی با نگاه سطحی به مولفه های مهمی چون: تغییر صف بندی ها در صف بورژوازی و جنبشها و احزاب آن، تغییر مضمون و مفاهیمی چون چپ تا راست، تغییر در رابطه پائین و بالا، واقعیت بی اعتمادی مطلق به ساختار سیاسی و ... صفحه ۲

## مشروعیت نظام مجوزی برای اعدام!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## مردم آزادیخواه، پیروز انتخابات!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

«انتخابات» ریاست جمهوری بعد از نتایج اسف بار آن برای جمهوری اسلامی، قرار است در دور دوم با تعیین تکلیف میان پزشکیان و جلیلی به پایان برسد. مستقل از اینکه نتیجه نهایی مسابقه میان این دو نفر که هر کدام جناح و طیفی از بالایی ها را نمایندگی میکنند، کلیت نظام در این نمایش در مقابل مردم آزادیخواه شکست خورد.

هیاهوی کرکننده این دوره، حضور نماینده اصلاح طلبان و «رقابتی کردن انتخابات»، وارد شدن همه جناح و دسته بندی های جمهوری اسلامی در این مراسم، اتحاد از «آقا» و «بیست امام» تا ظریف و روحانی برای کشیدن مردم پای این مضحکه و دعوت به «آشتی مردم با صندوق رای» و تبلیغات کر کننده مبنی بر «مشارکت پرشور» مردم، در یک چشم برهم زدن، توسط مردم آزادیخواه دود شد و هوا رفت! «نه» اکثریت مردم به این مضحکه، آخرین نور امید برای نجات جمهوری اسلامی را کور کرد. آمارهای رسمی حاکمیت که روزشنبه نهم تیر اعلام شد، با فرض «واقعی بودن» از عدم شرکت ۶۰ درصد از واجدین شرایط در این مضحکه سخن میگوید. اما در لابلای ارزیابی ها از دلایل عدم شرکت مردم، در دل گلایه ها از «ناموفق بودن رقابتی کردن انتخابات» و «درسهای خودمانی این انتخابات»، در دل مباحثات روسا و دولتمردان اعلام میشود که حضور فقط ۳۲ و ۳۳ درصدی مردم این «انتخابات» را به ضعیف ترین «انتخابات» تاریخ جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

دست بردن به جنگ و میلیتاریسم بعنوان ابزاری برای تقسیم قدرت و آرایش مجدد جهان در مقابل شهروندان اروپایی گذاشت. جنگ اوکراین، میلیتاریسم «مشرف به موت» آمریکا، که در جهان یک قطبی همواره یک رکن سیاست خارجی آن بود، را احیا و به اروپا هم تعمیم داد. تبدیل میلیتاریسم به سیاست رسمی دول اروپایی، عواقب جنگهای ویرانگر بر اقتصاد اروپا، نا امنی و تحریکات جنگی دول غربی، زندگی میلیونها انسان را نه فقط در آسیا، خارومیانه و آفریقا، که در اروپا با مخاطرات جدی روبرو کرد.

طی این هشت سال جنگ اوکراین و تأثیرات مستقیم سیاسی-اجتماعی و اقتصادی آن بر زندگی شهروندان اروپایی، و پس از آن فاجعه غزه و نسل کشی مردم بیگناه فلسطین و حمایت بی قید و شرط دول غربی از دولت فاشیست اسرائیل و ممکن کردن این نسل کشی با اتکا به حمایت تسلیحاتی، مالی، سیاسی غرب، جهانی نا امن تر، مخاطره آمیز تر، فقیرتر و سیستمی گندیده تر، بحران زده تر و بیربط تر و بیگانه تر با میلیونها شهروندان را شکل داد.

این شرایط، میلیونها شهروند در جوامع غربی را با سوال های جدی روبرو کرد! سوال هایی فراتر از کشور خود! سوال هایی جهانی، و اینکه جهان و ما به کجا میرویم. این شرایط، فقر و فشار اقتصادی و احساس نا امنی و بی تامینی و بی آیندگی و هراس و ترس از تداوم سیاست های سنتی احزاب پارلمانی و جنبش های سنتی در غرب، میدان را برای نیروهای ساختار شکن، بورژوازی یا پرولتری، کمونیست یا دست راستی با راه حل های اقتصادی، ساختار شکنانه، باز و بازتر کرد! این شرایط اروپا و جهان غرب را که پیش از جنگ اوکراین هم «هارمونیک» و «آرام» و «تحت کنترل» احزاب سنتی پارلمانی نبود، را بیش از پیش بحرانی کرد.

پیش از این انتخابات ها، اروپا در آتش اعتراض و ناراضی میسوخت. اعتراض به تعرض به معیشت و آخرین بقایای بیمه های اجتماعی، از دستمزد و طب، مسکن و افزایش سن بازنشستگی، تا اعتراض به نسل کشی در غزه و اعتراض رادیکال و گسترده علیه حمایت و شرکت بی چون و چرای دول غربی در این جنایت، اروپا را به بشکه باروتی تبدیل کرده بود. اگر در کریدورهای پارلمانها و دپارتمان های دولتها، سیاستهای میلیتاریستی، مسابقه تسلیحاتی و ریاضت اقتصادی و «تقسیم عادلانه» فقر و فلاکت ناشی از بحران اقتصادی میان مردم کارکن در جامعه، شاخص نظم سیاسی و ساختار حاکم در اروپا بود، اعتصابات کارگری و سایر مزدبگیران در اروپا، در کنار جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین و علیه نسل کشی دولت فاشیست اسرائیل، چهره سیاسی و فضای سیاسی پائین را رقم میزد. شکاف میان پایین و بالا، میان شهروندان و قدرت های حاکم، طبقه کارگر و بورژوازی در غرب، پیش از این انتخابات ها، هر روز عمیق تر و گسترده تر می شد. فضا نه تنها برای راست افراطی، که در عین حال برای ابراز وجود مستقیم و رادیکال کارگری-سوسیالیستی باز و بازتر می شد. سخنرانی های رادیکال، چپ و سوسیالیستی - کارگری، رهبران اعتراضات کارگری و مردمی، در این دوره، خصلت نمای تحرکی بود و هنوز هم هست که معمولاً پشت پروپاگاندهای تبلیغاتی رسانه های رسمی بورژوازی، پنهان نگاه داشته میشود.

**کارگران کمونیست!**  
**حزب ما، سنگر اتحاد و**  
**تشکل حزبی شماست.**  
**حزب را از آن خود کنید!**

روی آوری وسیع و اجتماعی به طرف هر نیروی ساختار شکن، مطرح شدن نیروهای «ضد» احزاب و الیت سیاسی سنتی در غرب، گسترده شدن سایه سنگین پیشروی احزاب دست راستی و فاشیستی، به تحرک درآمدن جنبش های چپ کارگری - سوسیالیستی، میتواند در تشخیص ابعاد این تغییر که سالها است در جریان است، بسیار گمراه کننده باشد. رجوع به دلایل این تغییرات و بیرون کشیدن واقعیت معضلاتی که بورژوازی غرب را به این نقطه کشانده است از زیر آوار خروارها پروپاگاندهای تبلیغاتی بخش های مختلف بورژوازی جهانی، شرط داشتن تصویری نزدیک به واقعیت از این شرایط است.

با این رویکرد، مهم نیست بازنده این انتخابات احزاب سنتی پارلمانی چون سوسیال دمکرات و سبز در آلمان یا حزب محافظه کار در بریتانیا است! حتی مهم نیست پیروز این انتخابات مانند بریتانیا چپ پارلمانی تماما به راست چرخیده، حزب کارگر، است یا راست افراطی معتدل شده در فرانسه که خود را با «مقتضیات زمانه» منطبق کرده، حزب «اجماع ملی» مارین لوپن، بازنده اصلی ساختار سیاسی بورژوازی در غرب است که سوت شکست اش هشت سال پیش به صدا در آمد.

طی این هشت سال ما شاهد تغییر، شیفت جدی و بنیادی به سوی سیاست های راست، در تمام احزاب اصلی و پارلمانی در غرب بودیم. همزمان و به موازات آن، شاهد افول و مرگ احزاب و جنبش هایی و خروج و رشد جنبشها و احزاب متفاوتی بودیم.

امروز تشخیص فاصله چپ پارلمانی با راست میانه و راست میانه با راست افراطی چه در سیاست داخلی و چه در عرصه بین المللی، به سختی ممکن است. به راست چرخیدن همه احزاب سنتی پارلمانی - بورژوازی در غرب، چه چپ و چه راست، چه با برچسب کارگر یا سبز یا لیبرال یا سوسیال دمکرات، بی اعتباری آنها نزد شهروندان، بن بست ها و بی آلتانایو شدن های پارلمان های سنتی در غرب، اتفاق مهمتری است که زیر هیاهوی تبلیغاتی برد راست افراطی در فرانسه و هلند یا پیروزی «چپ» در بریتانیا، پنهان نگاه داشته میشود.

سوسیال دمکراسی، بعنوان نماینده چپگرایی و آرمانهای عدالتخواهانه، مدتها است عمر و ارزش مصرف اش به پایان رسیده است. بحرانهای دائمی در احزاب سوسیال دمکرات و چپ، به راست چرخیدن هسته اصلی و باقیمانده این احزاب به راست، بی ربط شدن و قطع رابطه این احزاب حتی در تبلیغات و ادعا به پایه اجتماعی سنتی خود، کارگر و اقلیت محروم، مدتها است در جریان است. مدت ها است که انتخاب این احزاب برای شهروند اروپایی نه از سر برنامه یا افق یا حتی تداعی کردن آنها با عدالتخواهی و درجه ای از رفاه، که از سر بستن سد در مقابل نیروهای اولترا راست و فاشیستها است. چپ پارلمانی مدتها است به حاشیه احزاب راست و گروه فشار بر آنان تبدیل شده اند. قدرنگیری راست افراطی روی دیگر سکه شکست این چپ پارلمانی و جنبش خرده بورژوازی در غرب است که تاریخا نماینده اعتراض به ساختار و تلاش برای «اصلاح» و تغییر آن بود. اگر چیزی در این میان میتواند موجب نگرانی شود، نه به قدرت رسیدن این راست و آن چپ که هر یک ادامه دهنده سیاست دیگری است، بلکه این واقعیت است که این تغییر شیفت و این تغییر آرایش در صفوف بورژوازی، در غیاب یک نیروی کمونیستی قدرتمند و اجتماعی صورت میگیرد! در فقدان حضور نیرویی صورت میگیرد که موجود است و میتواند بسرعت از قامت یک جنبش اعتراضی و «اهرم فشار» خارج شود، و به مثابه یک قدرت متحد و متشکل مدعی قدرت، کارگری، چپ و سوسیالیستی، قد علم کند و برای تغییر معادلات در بالاترین سطح دخالت کند. طی سه دهه گذشته، شرایط هیچگاه تا این اندازه برای خروج چنین قدرت و نیرویی آماده نبوده است. قدرتی که خلا حضورش میتواند نگرانی های جدی بدنمال داشته باشد. به دلایل خلا حضور این نیرو، و ملزومات فراهم کردن بستر خروج آن، باید جداگانه پرداخت.

نگاه موشکافانه تری به رویدادهای هشت سال گذشته بیندازیم!

طی این هشت سال بن بست و بحران اقتصادی نه فقط محدود نشد که با جنگ اوکراین، آمادگی بورژوازی حاکم در غرب را برای احیا و تداوم

انتخاب «بد از ترس بدتر» موقعیت ضعیف تر جمهوری اسلامی در لبه پرتگاه را روئایی کرد. این پیروزی برای طبقه کارگر و زنان و جوانان آزادیخواه، برای صف محرومین، فتح سنگری مهم در پیشروی در جدال جنبش آزادیخواهانه در ایران است. دوره پیش روی، دوره تشدید مبارزه طبقاتی و جدالهای تعیین کننده، با نظام ضدکارگری، ضد زن و ضد بشری جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با سازمان دادن صفوف خود، با به میدان آوردن تمام نیرویش، خود را برای این جدال آماده تر میکنند. جمهوری اسلامی دیر یا زود باید برود، پروسه رفتن و سرنگونی آن با پرچم آزادی و برابری نوید جامعه ای مرفه، امن و آزاد و برابر را در افق خود قرار داده است.

زنده باد آزادی و برابری

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۱۰ تیر ۱۴۰۳ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

**ما می خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود. ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به سازمان های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز دارد.**

## رهایی زن رهایی جامعه

«انتخاباتی» که حتی ابله ترین هایشان از آن بعنوان وخیم بودن وضعیت بالایی ها و تاریک بودن آینده جمهوری اسلامی نام برده اند. تلاش مشترک همه جناح ها برای کشیدن مردم پای صندوق رای، به میدان کشیدن همه اعتبار و اتوریته نداشته اصلاح طلبان و انتقادات و گلایه های آنان از دولت و مجلس و تلاش در منتسب کردن خود به مطالبات آزادیخواهانه مردم و به میدان آوردن تمام سرمایه سیاسی خود از خاکی تا روحانی و ...، پوچ از آب در آمد. جواب روشن و صریح کارگران هفت تپه، به نمایندگی از طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه، که «انتخاب واقعی و آزاد مردم فقط در شوراهای منتخب مردم است» و عدم شرکت در این نمایش مشمئزکننده، یکبار دیگر این حقیقت را که «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگر تمام است ماجرا» و شکست این قطب ضد کارگر و ضد شادی و رفاه و آزادی مردم، مسجل است را به جهانیان اعلام کرد. تا همین جا پیروز و برنده این «انتخابات» مردم آزادیخواه در ایران و بازنده آن کلیت جمهوری اسلامی از «پیت امام» تا اصلاح طلبان درون و بیرون حکومتی اند! جمهوری اسلامی و متحدین شان در «اپوزیسیون» که مدام از ضرورت «شرکت حماسی مردم» در این نمایش گفتند و نوشتند و تبلیغ کردند، رفوزه های این دوره اند!

از پیش روشن بود بخش اعظم مردم ایران، طبقه کارگر، زنان و نسل جوان آزادیخواه، معلم و پرستار و اقشار محروم جامعه، که نه فقط از جمهوری اسلامی عبور کرده اند، که سالها است برای سرنگونی حکومت و استقرار جامعه ای انسانی، برابر و آزاد میجنگند، را با ترندهای حقیرانه «انتخابات رقابتی» و وعده تخفیف فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر اکثریت مردم، بویژه زنان، با به میدان آوردن پهلوان پنبه های سوخته خود، نمیتوان به «آشتی با نظام» کشاند. روشن بود مردمی که دو سال پیش با قدرت تمام ایران را به تسخیر خود در آوردند و جهان را محسوس قدرت خود کردند را با کالای بنجل «امید به اصلاحات» در جمهوری اسلامی نمیتوان پای صندوق رای و حضور در مراسم تف کردن به جدال چند ساله خود کرد. روشن بود طبقه کارگری که برای رفاه و آزادی خود میجنگد به مراسم توهین به شعور خود شرکت نخواهد کرد.

امروز، بعد از مضحکه انتخابات، این اکثریت عظیم در توازن بهتری در جدال با بورژوازی و حکومتش قرار میگیرد. شکست حاکمیت در «انتخابات» با همه تدابیر امنیتی و تلاش برای بستن زبانها و هر منفذی بر ابراز نظر آزادانه مردم، بیان قدرت گورکنان نظام را به نمایش میگذارد. این شکست در دل کوهی از تبلیغات و ادعای مشارکت بالا و تلاشی عظیم برای تحریک مردم و کاشت ترس در دل آنها از این و آن کاندید «مرتجع تر» و کشاندشان پای صندوق برای

اقتصاد مال خر است...

زندان بر علیه کارگران معترض مشکلی ندارند. هر چه وضع اقتصادی خراب تر میشود، این حضرات حق به جانب ترند؛ هر چه کارگر بی حقوق تر و فقیرتر میشود، زبان اینها درازتر است؛ همه ادعای «علم و دانش» این جماعت یک سر سوزن از قصه کپک زده مالکیت خصوصی ابزار تولید و بردگی بورژوازی کار مزدی فراتر نمیروند. دانشگاه ها و رسانه ها در پاسداشت خدمات بی شائبه در بستن در اختیار آنهاست، نه رو به گذشته و نه رو به آینده جز در نقش یادو های ذخیره در «کابینه رئیس جمهور شهید» جای پای دیگری نیافته اند. خاصیت اساسی اینها در مصونیت کذایی است که دانش اقتصادی شان دور آنها کشیده شده است: اقتصاد مال خر است!

یکبار دیگر در مضحکه سال ۱۴۰۳ همه دیدند که «انتخابات» قبل از آنکه رو به آینده داشته باشد، رو به چهار سال قبل و دوره های پیشتر دارد. اصرار دارند، برایش پول خرج میکنند تا حکم برائت مسئولین و مسبب چهار سال بی حقوقی و بهره کشی و استثمار را به امضاء تک تک شهروندان برسانند. در این دوره و تمام دوره

های پیشین نه منافع و نه مصالح اکثریت بزرگ مردم زحمتکش کوچکترین محلی از اعراب نداشته است و در آینده نیز در روی همین پاشنه خواهد چرخید. این حکومت در دشمنی با مردم زحمتکش از هیچ چیز کوتاهی نکرده است و جز این نخواهد کرد. این فقر و محرومیت؛ بحران یا تورم یا ندانم کاری نیست، در مقابل چشمان گود افتاده فرزندان طبقه ما، در مقابل کمر خمیده از استثمار پدران و مادران خانواده بزرگ کارگری یک اقلیت کوچک، مشتکی از تفاله های حقارت و بهره کشی گردن کلفت کرده اند.

جمهوری اسلامی امروز بیش از هر وقت دیگر با چه زبانی میتواند به روشنی بازگوید که جز از دریچه کار و مشقت و تداوم محرومیت و بی حقوقی طبقه کارگر استوار نیست اما رو به کارگر جامعه، از طبقه حاکم، از هیبت بورژوازی ایران، از جمهوری و اسلام آن جز پیسی و رقت و اختگی نمیبارد؟

باید باور کرد، این انتخابات همه توش و توان و پرسناژ و افق کل بورژوازی ایران را به نمایش گذاشته است.

باید باور کرد که وقت آنست اصطبل بزرگ آوگیاس اسلامی سرمایه را در ایران، از بنیاد، از ساکنان آن لایروبی کرد.



# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx  
دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

# مشروعیت نظام مجوزی برای اعدام!

شریفه محمدی فعال کارگری و عضو سابق کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری در شعبه اول دادگاه انقلاب رشت در تاریخ ۱۴ تیرماه به اعدام محکوم شده است. شریفه از فعالین کارگری و اجتماعی و جنبش آزادی زن در شمال ایران است. شمال ایران یکی از کانون های مبارزه رادیکال کارگران، زنان و دانشجویان است.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای صدور احکام اعدام و زندان طولانی مدت، نیازی به اسناد و مدارک ندارد. روی میز هر قاضی مزدوری، بسته ای از اتهامات از پیش آماده شده از قبیل اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، جاسوسی، اغتشاش و تشویش اذهان، عضویت در احزاب سیاسی و غیره قرار دارد.

این دستگاه قاتل، یکی از ابزارهای سرکوب جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران است و بهیچوجه صلاحیت و مشروعیت قضاوت و محاکمه و مجازات انسانی را ندارد.

حکم اعدام شریفه محمدی در شرایطی صادر شده است که در ادامه ی اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی سال های اخیر، هم اکنون اعتصاب بزرگ و سراسری کارگران پیمانی نفت در جریان است و شرکت نکردن اکثریت جامعه در انتخابات نمایشی رژیم هم بار دیگر مهر عدم مشروعیت نظام را بر پیشانی کوبیده است.

خامنه ای که برای گرفتن رای از مردم سینه چاک کرده است، مشروعیت خود را برای تداوم و تشدید سرکوب جامعه می خواهد. مشروعیت نظام مجوزی است برای اعدام!

اما طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی بویژه جنبش آزادی زن در سال های اخیر بنای حاکمیت استبدادیش را به لرزه در آورده است. حکم اعدام در جمهوری اسلامی اساسا برای زهر چشم گرفتن از طبقه کارگر و جامعه است. می خواهد بگوید من هنوز دندان دارم. هنوز می توانم انتقام بگیرم. اما زوال حاکمیت و عدم مشروعیت را نمی توان با حربه ی پوسیده ی احکام اعدام و کشتار و انتقام، جبران کرد.

جمهوری اسلامی طبقه کارگر گورکن خود را می بیند که با وجود موانع زیاد مدام در حال تحول و کمر راست کردن است. نظام حاکم خطر طبقه کارگر را بیشتر از هر چیز دیگر جدی میگیرد و از آن وحشت دارد. بیشترین فشارهای اقتصادی و سیاسی و امنیتی را بر این طبقه و فعالین و رهبرانش متمرکز کرده است.

حکم اعدام شریفه محمدی مدافع حقوق کارگران و زنان، جزئی از این تقلابهای مذبحخانه برای ترساندن و ایجاد رعب در جامعه است. جامعه ای که مدت ها است پرده ی ترس را دریده و سرنگونی نظام سرمایه و دین را نشانه گرفته است. طبقه کارگر و جامعه ای که پیا خاسته و عزم کرده است تا بر ویرانه های نظام طبقاتی و مذهبی جمهوری اسلامی، جامعه ی سوسیالیستی آزاد و برابر را برقرار کند، می تواند در مقابل احکام اعدام و کشتار و استبداد نظام تبهکار بایستد.

طبقه کارگر و همه آزادیخواهان می خواهند و اعلام می کنند که حکم اعدام شریفه محمدی باید پاره شده و به زباله دانی ریخته شود. آزادی بیان و تشکل و تجمع، آزادیهای فردی و اجتماعی و لغو اعدام، کم ترین خواست جامعه ی پیا خاسته ی ما است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ - ۵ ژوئیه ۲۰۲۴